

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختار زاده
شهر اسن - المان
۱۵ نومبر ۲۰۰۹

شکوه ۷۵

(۱۰) در افغانستان :

{ح}

گر قدرت بود ز اهل هندود
یا که مسیحی بود و یا یهود
مسلمی گر گفت ، مسلمان شوید
پاسخ تان چیست ، جوابش دهید
وای عجب ، طالب افغان نگر
پرسش هندوز مسلمان نگر
گفته یکی مُرشد شیرین کلام
خدمت همنون نما ، والسلام
دین ، سبب عشق و محبت بود
نه سبب نفرت و کلفت بود
وای عجب ، پند بزرگان نگر
شعری هم از بهر مسلمان نگر
منع مکن هر که بود بت پرست
آنهمه بت هاش نباید شکست

شایدش حق ، بر طرفِ برهمن
بیه بُود ، اوّل بتِ نفست شکن
وای عجب ، شعرِ بزرگان نگر
طالبِ پژمانِ سر افشان نگر
طالبی گفتا که بلی ، حق تراست
هرچه که گفتی همه آن بجاست
حال نگر عشق و محبت زمن
تا که شهادت دهی ای گلبدن
وای عجب ، طالبِ افغان نگر
عاشقِ هندیست ، مسلمان نگر
لُخت نمودی همه را مثلِ سیر
از زن و مرد هم ز جوان و ز پیر
بسته نموده همه را با طناب
خواهرِ زن را بگرفت در عتاب
وای عجب ، طالبِ افغان نگر
ظلمی به هندو ، ز مسلمان نگر
خواهرِ زن را بگرفتش بغل
گفت ! نگر، عشق و محبت ، عمل
کرد شروع ، گفت ! بنام خدا
سینه خواهر زنم از تن جدا
وای عجب ، وحشتِ انسان نگر
جمله حیوان شده حیران نگر

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

شکوه ۷۶

(۱۰) در افغانستان :

{ ک }

دست بدست گشت چو سیب و انار
گاهی مکیدن ، گهی دادن فشار
بس کنم و چونکه زبان عاجز است
گفتن آن شرم ، و ناجایز است
وای عجب ، طالب و ایمان نگر
رهبری دولت افغان نگر

بقیه دارد